

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

گرور فور

برگردان : هاتف رحمانی

۲۷ اگست ۲۰۱۷

قحطی اوکراین : تنها اسناد می تواند حقیقت را آشکار کند.

هیچ کاراگاهی نمی تواند بدون مطالعه دقیق و واقعی مدارک موضوع جرمی را حل نماید. همچنین ، هیچ کسی نمی تواند آن چه را عملاً در تاریخ رخ داده بدون مطالعه عینی منابع اصلی مربوطه – مدارک – درک کند. من دهه ها برای مطالعه منابع اصلی در رابطه با رخ داد های ویژه دوران ستالین صرف کرده ام . مارک تاوگر بیش از ۲۵ سال منابع اصلی کشاورزی شوروی را مورد بررسی قرار داده است . لوئیس پرویکت LOUIS PROYECT این مطالعه را انجام نداده است . در نتیجه او شانس دریافت حقیقت ، یا به رسمیت شناختن آن را وقتی که حقیقت را می بیند ندارد . او به "باور" هر آن چه با اعتقاد ایدئولوژیک او تناسب دارد تمایل دارد و هر چیز دیگر را به ناگزیر رد می کند . این برای هر تلاشی در درک آن چه واقعاً رخ داده است مهلک است .

حمله لوئیس پرویکت به من و مارک تاوگر Mark Tauger (" چه چیزی سبب هلودومور شد؟ [1]) (کانترپانچ ۲۴ مارچ ۱۹۷۱) بالماسکه ایدئولوژی به عنوان تاریخ است . آن (نوشته) سرشار از دروغ است . من بردروغ هائی که پرویکت در باره من و تحقیق من می گوید تمرکز خواهم کرد . امیدوارم مارک تاوگر به اتهام های جاهلانه پرویکت علیه پژوهش او جواب خواهد داد . پرویکت نوشتار خود را با اظهار ان که " زندگی سیاسی فور حول گرامی داشت بزرگترین دستاورد های ستالین - همان طور که بودند- می چرخد " آغاز می کند. این دروغ است . هدف من "گرامی داشت" ستالین ، یا هیچ کس دیگری نیست . من در پژوهش، کشف حقیقت در باره تاریخ دهه ۱۹۳۰ شوروی را ، با استفاده از بهترین اسناد اصلی و حفظ وسواسی واقعیت هدف دارم .

من با جنووری روبرتز Geoffrey Roberts تاریخدان موافقم که می گوید : در ۱۵ سال گذشته مقدار عظیمی اسناد جدید در باره ستالین ... از بایگانی های روسیه قابل دسترس شده است . باید روشن کنم که به عنوان یک مؤرخ به گفتن حقیقت در باره گذشته ، صرف نظر از آن که نتایج آن چقدر ممکن است خوشایند یا نا مطبوع باشد گرایش قوی دارم ... من فکر نمی کنم این که شما فقط حقیقت را به گونه ای که می بینید بیان کنید مسأله غامضی باشد.

نگاه عمومی یا "مسلط" به ستالین به عنوان حاکمی تشنه به خون ساخته دو منبع است : نوشته های تروتسکی در دهه ۱۹۳۰ و "سخنرانی سری" نیکیتا خروشچف در کنفره بیستم حزب در فبروری ۱۹۵۶ . این تاریخ متعارف دوران ستالین – نسخه ای که ما همه آموخته ایم – کاملاً دروغ است . ما اکنون این را اساساً به خاطر دو رشته از کشف های آرشیوی: انتشار نهائی هزار ها سند آرشیوی از ارشیو های

قبلاً سری شوروی پس از پایان اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، و افتتاح بایگانی تروتسکی در هاروارد در ۱۹۸۰، و در درجه دوم، آرشیو تروتسکی در مؤسسه هوور (جائی که من تازه از آن جا باز گشته ام) می توانیم شاهد باشیم.

خروشچف دروغ گفت

"سخنرانی سری" خروشچف در فشار بر تاریخ جهان با نفوذ ترین سخنرانی قرن بیستم است. خروشچف در آن سخنرانی ستالین را به عنوان حکمرانی تشنه خون تصویر کرد که مقصر حکمفرمائی بیش از دو دهه وحشت پایدار است.

پس از کنگره ۲۲ حزب در سال ۱۹۶۱، که خروشچف و مردان او با زهر حتی بیشتری به ستالین حمله کردند، بسیاری از مؤرخان شوروی دروغ های خروشچف را با جزئیات آراستند. این دروغ ها از سوی کمونیست ستیز های جنگ سرد مانند رابرت کانکست تکرار شدند. آن ها گفته اند "چپ" را نیز از طریق نوشته های تروتسکیست ها و آثار شپیست ها و کمونیست های "طرف دار مسکو" وارد موضوع کردند. دروغ های خروشچف در زمان میخائیل گوربچف و بوریس یلتسین از سوی مؤرخان حرفه ئی شوروی، سپس روسیه تقویت شد. گوربچف بهمنی از دروغ های ضد کمونیستی را که پرده دود ایدئولوژیکی برای بازگشت شیوه های استثنائی در داخل اتحاد شوروی و در نهایت برای رها کردن اصلاح های سوسیالیستی و باز گشت به سرمایه داری غارتگر آماده می کرد، فراهم نمود.

در طی سال های ۲۰۰۵-۲۰۰۶ من تحقیق کردم و کتاب خروشچف دروغ گفت را نوشتم. من در کتابم ۶۱ اتهامی را که خروشچف علیه ستالین یا، در موارد اندکی، علیه بریا ایراد کرد مشخص کردم. سپس هر یک از آن ها را در پرتو اسناد قابل دسترس از آرشیو های شوروی سابق بررسی کردم. با کمال تعجب در یافتیم که ۶۰ اتهام از ۶۱ اتهام به صورت اثبات پذیری، به صورت قابل توضیحی دروغ است.

این واقعیت که خروشچف توانست همه چیز را تحریف نماید که بیش از ۵۰ سال از چشم ها دور ماند، نشان می دهد که ما باید به دیگر "جنایت های" فرضی ستالین و اتحاد شوروی زمان او نیز با دقت نگاه کنیم.

ملغمه تروتسکی

پیر بورو، برجسته ترین مؤرخ تروتسکیست دوران خود، از ۱۹۸۰ تا اوایل دهه ۱۹۹۰، و آرچ گتی، کارشناس برجسته امریکائی در تاریخ شوروی، کشف کردند که تروتسکی، در بیانیه های عمومی و نوشته هایش در دهه ۱۹۳۰، به تکرار و در باره موضوع های بسیاری دروغ گفته بود. من در کتاب "ملغمه های تروتسکی" (۲۰۱۵) خود دلالت های این دروغ ها از سوی تروتسکی و چند دروغ اضافی دیگر را که خودم کشف کردم مورد بحث قرار دادم. آن ها "کمیسون دوی" را برای کسانی که تروتسکی بی شرمانه و به تکرار به آن ها دروغ گفت، و نیز انکار اتهام های مطرح شده علیه تروتسکی در دادگاه های اول و دوم مسکو در کتاب سرخ و جاهای دیگر را کاملاً باطل می کنند.

به نبرد فراخواندن "پارادایم ضد ستالین"

من به این نتایج خارج از هر آرزویی برای "پوزش" - چه رسد به "گرامی داشت" - به خاطر سیاست های ستالین یا دولت شوروی نرسیده ام . من اعتقاد دارم این ها تنها نتایج عینی ممکن مبتنی بر مدارک قابل دسترس هستند .

نتایجی که من در باره تاریخ اتحاد شوروی در دوران ستالین رسیده ام برای افرادی نظیر پرویکت ، که بیشتر تحت تأثیر تعهدات ایدئولوژیک پیشینی هستند تا تصمیم به کشف حقیقت قابل پذیرش نیستند ، "بگذار مهره ها هر جا که آن ها می خواهند فرود آیند"

"پارادایم ستالین ستیزی" برعکس تاریخ شوروی مسلط است ، در جایی که زیر سؤال بردن آن "تابو" (حرام) است ، چه رسد به تکذیب آن ، من دروغ های تروتسکی - خروشچف- جنگ سرد در باره ستالین و دوران ستالین را رد می کنم. کسانی که در این میدان پژوهش خود را برای متناسب شدن با بستر تحمیلی "پارادایم ستالین ستیزی" قطع نمی کنند ، انتشار آن را در مجله های "جریان اصلی" و انتشارات دانشگاهی (آکادمیک) اگر نه غیر ممکن اما دشوار خواهند یافت. من خوشبختم چون ادبیات انگلیسی تدریس می کنم و نیازی به انتشار در این رسانه های "معتبر" اما از نظر ایدئولوژیک سازش کار ندارم.

کسانی مانند پرویکت که انگیزه آن ها نه کشف حقیقت بلکه تبعیض های ایدئولوژیکشان است فکر می کنند که هر کسی باید مانند آن ها عمل کند. بنا بر این پرویکت نه بر اساس مدارک ، بلکه با جرم هم پیوستگی ، ذکر نام های مشهور، توهین و دروغ استدلال می کنند.

چند نمونه:

جرم هم پیوستگی : پرویکت ادعا می کند که من "مانند" رولند بوئر، راجر آنیسو زیکمون میرونین هستم.

نام بردن از افراد معروف : داویز و واترکرافت R. W. Davies and Stephen G. Wheatcroft (نویسندگان سال های گرسنگی : کشاورزی شوروی ۱۹۳۱-۱۹۳۳ مترجم) معروف هستند و با تاوگر مخالفند ، از این رو - در هر صورت - آن ها "معتبرترین" و "به حق" هستند اما تاوگر "بر خطا" است .

توهین : تاوگر همدست "تبدیل فریبانی به جنایتکار" است .

پرویکت : "...عقلانی به نظر می رسد که ستالین در اوایل دهه ۱۹۳۰ برای باز داشتن هیتلر از تجاوز به روسیه - یا چیزی مانند آن- ناگزیر از به راه انداختن سرکوب وحشیانه شد." در واقعیت نه من و نه تاوگر چیزی همانند این نگفته ایم .

دروغ : پرویکت فرازی از تحقیق تاوگر در باره قحطی سیب زمینی ایرلندی نقل می کند و سپس تاوگر را به تبرئه کردن بریتانیایی ها متهم می کند:

"آیا دولت بریتانیا مسؤول است ؟ نه . ما نمی توانیم آن را بگوئیم ."

اما جمله بعدی در نوشتار تاوگر می گوید :

"بدون انکار آن که دولت بریتانیا بحران را بد اداره کرد..."

پرویکت زندانی پارادایم تاریخی است که دیدگاه او از شوروی را کنترل می کند. چند نمونه :

* پرویکت بر استفاده از عبارت "هولودومور" اصرار می کند. او خواننده های کانتر پانچ را آگاه نمی کند که داویز و ویتکرافت ، که (خواندن) کارهایشان را پیشنهاد می کند ، هر دو عبارت و مفهوم "هولودومور" را در هر کتابی که پرویکت پیشنهاد می کند رد می کنند!

پرویکت : "صرف نظر از آن که لنین برکناری او (ستالین) را از رهبری حزب از بستر مرگ خود خواستار شد."

اما، به خاطر پژوهش دقیق والنتین ساخارف **Valentin Sakharov** از دانشگاه دولتی مسکو ، حتا پژوهشگران "جریان اصلی" می دانند که این یادداشت ، مانند "وصیت نامه لنین" احتمالاً جعلی است : هیچ تئذنویسی اصیل از "نامه ایلچ در باره دبیر (کل)" وجود ندارد. در دفتر فعالیت های لنین که از سوی دبیر خانه حفظ شده است هیچ ذکری از هیچ نامه ای از ایلچ نیامده است. "... هیچ منبع واحدی محتوای دیکته ۴ جنوری را تایید نمی کند. همچنین این حقیقت عجیب آن است که زینوویف برای "نامه ایلچ در باره دبیر (کل)" در اواخر ماه می ، همراه با ارزیابی های شش کارمند رژیم شریک قلمداد نشده بود . متن ماشین شده جدید تنها در ماه جون پدیدار شد . (استفن کوتکین ^[2] **Stephen Mark Kotkin** ، ستالین ص ۵۰۵)

پرویکت : " تا حد زیادی به خاطر کنترول بوروکراتیک و نفوذ شدید عناصر خود نما در داخل حزب ، توانست مخالفین را شکست دهد... "

اما استفن کوهن ^[3] **Stephen Frand Cohen** در سال ۱۹۷۳ در اثر خود بوخارین و انقلاب بلشویکی نوشت : اما تنها سیاست های ماشین برای پیروزی ستالین به حساب نمی آمد ... در داخل این الیگارش برگرزیده ، قدرت بوروکراتیک ستالین تا حد قابل ملاحظه ای بسیار اندک تحمیل می شد ... تا اپریل ۱۹۲۹ ، این افراد با نفوذ، ستالین را برگزیدند و اکثریت ضروری را در رهبری بالا تشکیل دادند . روشن به نظر می رسد آن ها، کمتر به خاطر قدرت بوروکراتیک او، بلکه بیشتر به خاطر آن که رهبری و سیاست های او را ترجیح می دادند چنین کردند. (۳۲۷)

پرو یکت : " پیشروی تحمیلی ستالین بین دهقانان فقیر و ثروتمند تبعیضی قائل نمی شد "

اما جیمز میس **James E. Mace** ، قهرمان ملی گرایان اوکراینی همدست فاشیست ها ، در سال ۱۹۸۳ در باره نقش "کمیتة دهقانان فقیرسلینا" در حمایت از اشتراکی سازی نوشت. شواهد بسیار دیگری از حمایت دهقانان از اشتراکی سازی وجود دارد.

نتیجه

تاریخ پدرستی درک شده تلاشی برای روش های معروف تحقیق منبع اصلی به شیوه ای عینی ، در راستای رسیدن به دقت - صداقت- گفته ها در باره گذشته است . بسیاری از اوقات نتیجه برای کسانی که به سازه های دروغ ایدئولوژیک وفادارند ، حتی زمانی که سازه های آن ها تاریخ نگاری سیاسی شده "جریان اصلی" را تشکیل می دهد، بیدار کننده است . هرکس که برای کشف حقیقت و سپس گفتن آن بدون ترس یا هواداری تلاش می کند ، شایسته مؤرخ خوانده شدن است ، صرف نظر از آن که چقدر ممکن است معروف ، متعهد ، یا معتبرباشد .

تحریف ها و دروغ ها در باره تاریخ شوروی دوران ستالین در همه جا ، از جمله در اوکراین ، روسیه و در غرب دارای نفوذ است . این دروغ ها اساساً مرکب از تکرار دروغ های تروتسکیست ها و خروشچفیسست ها، در دفاع یا در انکار مشتاقانه مدارک منبع اصلی است که اکنون در دسترس است . اسناد به تازگی قابل دسترس شده از منابع بایگانی، باز نویسی تاریخ شوروی دوران ستالین و تجدید نظر کامل در نقش خود ستالین را الزامی می سازد . این محرک باز هم خواهان پی کاوی، برای همه کسانی که خواهان آموختن از خطا ها، ونیز از موفقیت های بلشویک ها، پیشگامان جنبش کمونیستی قرن بیستم هستند دارای اهمیت بزرگی است .

یادداشت

اطلاعات در باره کتاب های منتشر شده من به همه زبان ها، در [صفحه تارنگاشت](#) من موجود است . شما در آن جا می توانید تمام نوشتارهای منتشر شده من ، تنها برخی به زبان روسی ، در باره تاریخ شوروی را ببینید .

سرچشمه : کانتر پانچ

[1] - هولودومور به اوکراینی قحطی انسان ساخته

[2] - تاریخ نگار، نویسنده و استاد دانشگاه امریکائی متولد ۱۹۵۹ . او اکنون استاد تاریخ در دانشگاه پرینستون امریکا و در مؤسسه هوور نیز فعالیت می کند.

[3] - شوروی شناس معروف امریکائی . متولد ۱۹۳۸ . استاد دانشگاه پرینستون و دانشگاه واشنگتن

نویدنو ۱۳۹۶/۰۶/۰۲